

<https://www.pecritiue.com>

# جنگ اسرائیل و حمله‌ی حماس محرک سیر قهقرایی

نقد اقتصاد سیاسی  
دی ماه ۱۴۰۲

فرانکلین دمیتریف

ترجمه‌ی ناصر برین



getty images

آریل کالنر، از اعضای لیکودِ کنست اسرائیل در توییتی نوشت: «در حال حاضر فقط یک هدف: نکبه! نکبه‌ای که بر نکبه‌ی ۱۹۴۸ سایه می‌افکند.» "نکبه" معرف واژه‌ی عربی فاجعه و نام اخراج خشونت‌آمیز ۷۰۰ هزار فلسطینی در ۱۹۴۸ هنگام تأسیس اسرائیل است. مقامات بلندپایه‌ی اسرائیل یکی پس از دیگری با سخنان کشتار جمعی مشابهی رؤیاهای خود را برای جنگ کنونی علیه جمعیت نوار غزه اشغالی فریاد زدند.<sup>۱</sup> جنگ اسرائیل علیه غزه و حملات حماس که جرقه‌ی آن را برانگیخت، جهان را به مسیری واپس‌گرایانه سوق داده و ضدانسانی‌بودن قدرت‌های حاکم، و نیز پسروری بسیاری از چپ‌ها را برملا می‌کند. خروج از تداوم سقوط به توحش جهانی راه‌حلی انقلابی و در نتیجه چشم‌اندازی واقعاً انقلابی می‌طلبد.

پیش از ۷ اکتبر، غزه پیشاپیش تحت مجازات دسته‌جمعی قرار داشت. از سال ۲۰۰۷، محاصره‌ی اسرائیل با همکاری مصر، آن را به «بزرگ‌ترین زندان روباز جهان» تبدیل کرده بود. بسیاری از واحدهای مسکونی پس از امواج متعدد بمباران‌های اسرائیل هرگز بازسازی نشدند و هزاران نفر به دلیل این حملات و تیراندازی به معترضان علیل دایمی شده بودند. خدمات بهداشتی ناکارآمد بودند. تخمین زده می‌شود که ۷۰ درصد مردم وابسته‌ی کمک‌های بیرونی بودند که با اعلام «محاصره‌ی کامل» اسرائیل در ماه اکتبر، قطع شده است.

## حماس به قصد جنگ‌افروزی کشتار کرد

با حمله‌ی حماس در ۷ اکتبر دور جدید وحشتناک جنگ و ارتجاع آغاز شد؛ حماسی که درحین سرکوب اعتراضات، به شیوه‌ای تک‌حزبی بر غزه حکومت می‌کند. کشتار در یک جشنواره‌ی موسیقی در اسرائیل، در شهرها و کیبوتص‌ها، حماس بدون هیچ تبعیضی اکثراً غیرنظامیان، از نوزادان تا سالمندان، و به‌طور عمده یهودیان اما هم‌چنین فلسطینی‌ها، کارگران تایلندی و دیگران را هدف قرار داد. رزمندگان حماس

<sup>۱</sup> رجوع کنید به «زبانی که برای توصیف فلسطینیان استفاده می‌شود، نسل‌کشی است»، نوشته کریس مک‌گریل، خبرنگاری که به نسل‌کشی رواندا پوشش داده بود: «گاردین»، ۱۶ اکتبر ۲۰۲۳ ([The language being used to describe](#)).

با نصب دوربین‌هایی متصل به بدن خود، پیش از کشتن قربانیان، جنایات خود را مستند می‌کردند، جنایاتی چون ضرب‌وشتم، شکنجه و تجاوز جنسی به قربانیان که شامل کودکان بود. یکی از دستگیرشدگان به بازجویان گفت که فرمانده‌اش به او گفته بود که با زنان و کودکان «هر کاری می‌خواهی بکن».

بیش از ۱۲۰۰ نفر در به‌اصطلاح طوفان الاقصی کشته شدند، و حماس اعلام کرد که آن‌ها و گروه‌های دیگر ۲۰۰ تا ۲۵۰ گروگان دارند؛ اکثر آن‌ها غیرنظامی هستند. مقامات اسرائیلی در حالی که نسبت به سرنوشت گروگان‌ها اظهار بی‌تفاوتی می‌کنند، ویدئویی مستند از جنایات حماس گردآوری کرده‌اند به این امید که جنایات جنگی خود علیه غیرنظامیان غزه را توجیه کنند.

رهبران حماس درباره‌ی اهداف خود در حمله‌ی ۷ اکتبر سخن گفته‌اند. طاهر النونو، یکی از مشاوران رسانه‌ای حماس، در صحبتی به «نیویورک تایمز» چنین گفت: «امیدوارم وضعیت جنگ با اسرائیل در همه‌ی مرزها دائمی شود و جهان عرب در کنار ما بایستد.»<sup>۲</sup>

هدف آن‌ها برای تخریب نزدیکی بین اسرائیل و کشورهای عربی مانند عربستان سعودی – که تلاشی است مبتنی بر این توهم که مسئله‌ی فلسطین می‌تواند برای همیشه به حاشیه رانده شود و کشورهای عربی می‌توانند تمایل مردم خود برای همبستگی با فلسطینی‌های ستم‌دیده را نادیده بگیرند – تا حدی به موفقیت دست یافت چراکه توده‌های آن کشورها نسبت به تهاجم اسرائیل به غزه به‌شدت واکنش نشان داده‌اند.

خلیل الحیا، یکی از اعضای دفتر سیاسی حماس، می‌گوید: «هدف حماس اداره‌ی غزه و آوردن آب و برق و مانند آن نیست. حماس، قسام و مقاومت، جهان را از خوابی عمیق بیدار کرد و نشان داد که این موضوع باید روی میز بماند... حماس به‌دنبال بهبود وضعیت غزه نبود. این نبرد برای سرنوشتی کامل وضعیت موجود است.»<sup>۳</sup>

<sup>۲</sup> نگاه کنید به، «نیویورک تایمز»، ۱۱ اکتبر ۲۰۲۳ (*The New York Times*)

<sup>۳</sup> «نیویورک تایمز»، همان شماره.

از غازی حمد، یکی دیگر از اعضای دفتر سیاسی، در مصاحبه‌ای با تلویزیون لبنان پرسیده می‌شود که آیا هدف «نابودی کامل اسرائیل» است. او پاسخ داد: «بله، البته». کل موضوع تحریک به جنگ بود، آن‌هم با این توهم که ملت‌های عرب به‌پاخاسته و به کمک آن‌ها خواهند شتافت تا اسرائیل را از نظر نظامی شکست دهند. «این نخستین طوفان الاقصی است و بار دوم، سوم، چهارمی نیز خواهد بود. آیا بابت آن بهایی پرداخت خواهیم کرد؟ بله، و ما آماده‌ی پرداخت آن هستیم. ما ملتی شهیدپروریم و به قربانی کردن شهدا افتخار می‌کنیم.»<sup>۴</sup>

خالد مشعل، رئیس سابق حماس، به «العربیه» می‌گوید: «ما کاملاً از عواقب عملیات خود در ۷ اکتبر آگاهیم»، یعنی تلفاتی که بر غیرنظامیان غزه وارد شد، و این «مقاومت مشروع» در برابر اشغال بود. «در همه‌ی جنگ‌ها، تعدادی قربانی غیرنظامی وجود دارد. ما مسئول آن‌ها نیستیم.» یا به قول حمد، «در ۷ اکتبر، ۱۰ اکتبر، یا هر اکتبری هر کاری که انجام می‌دهیم موجه است». یا چنان‌چه دستورات پیدا شده پیش یک رزمنده‌ی کشته شده در بیری (Beeri) پیدا شده است: «تا هرچه می‌توانی بکش و تا حد امکان نیز گروگان بگیرد.»<sup>۵</sup>

## نانسانیت در برابر نانسانیت

با اعلام جنگ توسط دولت اسرائیل و باریدن بمب‌های ۲۰۰۰ پوندی عظیم بر نوار غزه که بازهم به‌طور عمده غیرنظامیان، از جمله نوزادان و کودکان، را کشتار کرد، وحشت‌ها افزایش یافت - و هم‌زمان سربازان و شهرک‌نشینان اسرائیلی به‌عنوان یک جبهه‌ی دیگر جنگ خشونت علیه فلسطینی‌های کرانه‌ی باختری را تشدید کردند. بعد از ۷ اکتبر روزانه اخبار تکان‌دهنده‌ی بسیاری از غزه گزارش می‌شود که دیگر وحشت از آن به یک امر عادی بدل شده است. بیمارستان‌ها بمباران شده و اکثر آن‌ها دیگر فعال نیستند. آژانس‌های خبری سازمان ملل می‌گویند که مردم «در حال حاضر

<sup>۴</sup> نگاه کنید به «تایمز اسرائیل، ۱ نوامبر ۲۰۲۳: (to provoke a war)

<sup>۵</sup> نگاه کنید به «واشنگتن پست»، ۱۲ نوامبر ۲۰۲۳: (orders found on a dead fighter)

به معنای واقعی کلمه از گرسنگی تلف می‌شوند» و آب شرب در حال اتمام است. آپارتمان‌ها، مدارس، نانوی‌ها و اردوگاه‌های پناهندگان تخریب و نزدیک به نیمی از واحدهای مسکونی ویران شده است. دوسوم جمعیت بی‌خانمان‌اند.

به‌خاطر محاصره، تنها نیروگاه غزه خاموش شده و سوخت ذخیره‌ی بیمارستان‌ها برای ژنراتورهای کمکی به‌شدت کاسته شده است. آمبولانس‌ها، کاروان‌های صلیب سرخ و هلال احمر، پنل‌های برق خورشیدی بیمارستان مورد اصابت قرار گرفته‌اند. بر اثر افزایش تعداد مجروحان و بیماران عادی، حتی بیمارستان‌هایی که هنوز فعال‌اند از کمک به بیماران ناتوان هستند و بسیاری از انواع امکانات مراقبت‌های بهداشتی به‌سهولت در دسترس نیستند. روزانه حدود ۱۸۰ زن بدون مراقبت وضع حمل می‌کنند و یا بدون بیهوشی سزارین می‌شوند. منابع غذایی و پزشکی در حال اتمام بوده و یک فاجعه‌ی انسانی در برابر چشمان جهانیان در حال وقوع است.

به‌گفته‌ی وزارت بهداشت غزه، در اثر حملات هوایی و زمینی اسرائیل تا ۶ نوامبر ۶ بیش از ۱۰ هزار نفر در غزه کشته و بیش از ۲۵ هزار نفر مجروح شده‌اند که ۴۱۰۰ نفر از این تعداد شامل کودکان می‌شود - تقریباً نیمی از جمعیت غزه زیر ۱۸ سال است. یک مقام عالی‌رتبه‌ی وزارت خارجه ایالات متحده به‌کنگره گواهی می‌دهد که ممکن است تعداد واقعی مرگ‌ومیرها «حتی بیشتر» باشد، که با اشاره‌ی اغراق‌آمیز بودن آن‌ها از سوی جو بایدن رئیس‌جمهور آمریکا در تضاد است. گزارش‌های تلفات که هر روز افزایش یافته و بالغ بر ۱۴ هزار نفر بود، مربوط به پیش از آغاز آتش‌بس در ۲۳ نوامبر است.

## منفجر کردن اردوگاه پناهندگان جبلیه

---

۶ کلیه‌ی آمار کشته‌شدگان و مجروحان در این نوشته مربوط به نخستین ماه جنگ است که اکنون با گذشت بیش از دو ماه از ادامه‌ی بمباران‌های هوایی و توپ‌باران‌های زمینی، تلفات انسانی به بیش از بیست هزار نفر افزایش یافته است. (م.)

اردوگاه جبلیه، بزرگ‌ترین اردوگاه پناهندگاه در غزه، حداقل در ۹ روز متفاوت بمباران شده و صدها کشته برجای گذاشته است. جمعیت ۱۱۶۰۱۱ نفره‌ی ثبت شده‌ی پیشین این اردوگاه توسط سازمان ملل، اکنون با ورود جمعیتی که پس از حملات در مناطق دیگر برای پناه به آن‌جا گریخته‌اند متورم شده است. به گفته‌ی یک شاهد عینی به سی.ان.ان:

«کودکان سایر کودکان مجروح را در فضایی آغشته به غباری خاکستری با شتاب حمل می‌کردند. جسد‌ها روی آوارها آویزان بودند، و بسیاری قابل شناسایی نبودند. برخی در حال خون‌ریزی و برخی دیگر سوخته بودند. زنانی را دیدم که گیج و مبهوت فریاد می‌زدند. آن‌ها نمی‌دانستند که برای از دست دادن فرزندان‌شان بگریند، در جستجوی آن‌ها باشند و یا بگریزند، به خصوص که بچه‌های زیادی در محله در حال بازی بودند.»<sup>۷</sup>

«نیروهای دفاعی اسرائیل» (IDF) برای توجیه تعداد موهن اجساد، آن‌را این‌گونه توجیه می‌کنند که آن‌ها دو رهبر نظامی حماس و پایگاه آن‌ها در تونل‌های زیر اردوگاه را مورد هدف قرار دادند. آن‌ها اشاره نکردند که این اردوگاه یکی از مراکز مقاومت علیه حماس نیز هست. پیش از ۷ اکتبر، در ماه اوت، توده‌های کثیری در آن‌جا و در چندین شهر دیگر غزه با برپایی تجمعاتی شعار بهار عربی را سر داده بودند: «مردم خواهان سقوط نظام هستند»، «حماس ما را رها کن» و «ما می‌خواهیم زندگی کنیم». آن‌ها شرایط دشوار زندگی، از جمله کمبود برق، ناامنی غذایی، بی‌کاری شدید و فقر را محکوم کرده، محاصره‌ی ظالمانه‌ی اسرائیل را مقصر شناخته و هم‌چنین سوءمدیریت و سرکوب‌گری حماس را محکوم کردند. نیروهای حماس تظاهرات مسالمت‌آمیز مردم را با خشونت سرکوب کرده و به خبرنگاران حمله کردند تا از پوشش آن جلوگیری کنند.

---

<sup>۷</sup> [eyewitness told CNN](#)

## ویرانی غزه



نوار غزه، مرکز جنگ اسرائیل و حماس

با دستور ارتش اسرائیل به مردم برای تخلیه‌ی نیمه‌ی شمالی نوار غزه، که با جمعیتی بسیار متراکم - ۲/۳ میلیون نفر در ۳۶۲ کیلومتر مربع (با طول ۴۰ و عرض ۱۱ کیلومتر)، هرج و مرج و فروپاشی زندگی عادی تشدید شد. بسیاری از مردم غزه به قدری پیر یا بیمار بودند که توان سفر نداشتند، و بسیاری دیگر از تخلیه‌ی شمال امتناع کردند، زیرا می‌دیدند که نیمه‌ی جنوبی نیز مورد حمله قرار گرفته است و برخی غیرنظامیان در تلاش برای رفتن به جنوب در جاده‌هایی که توسط ارتش اسرائیل «امن» اعلام شده بود کشته شدند. بسیاری انتظار داشتند که اگر

آن‌جا را تخلیه کنند دیگر هرگز اجازه‌ی بازگشت نخواهند داشت. اکثر مردم غزه به خانواده‌هایی تعلق دارند که در سال ۱۹۴۸ از اسرائیل کنونی رانده شدند و هرگز نتوانستند برگردند.

فقدان آب تمیز، و امکانات و مراقبت‌های بهداشتی، و گرسنگی مفرط، بیش از یک میلیون نفر در تأسیسات سازمان ملل متحد، بیمارستان‌ها و مکان‌های دیگر به‌عنوان سرپناه‌های موقت ازدحام کرده‌اند، بیماری‌ها در حال گسترش است.

## فراخوان نسل‌کشی

مقامات اسرائیلی هدف خود را درباره‌ی این شرایط اعلام کرده‌اند که بسیار فراتر از پیامدهای ناخواسته است. سرلشکر بازنشسته گیورا ایلند، رئیس سابق شورای امنیت ملی اسرائیل، در روزنامه دیدیعت آحارونوت نوشت: «ایجاد یک بحران انسانی شدید در غزه ابزاری ضروری برای دستیابی به هدف است.» او در مقاله‌ای دیگر با فراخوان اخراج «کل جمعیت» نوشت که «غزه به مکانی تبدیل خواهد شد که دیگر هیچ انسانی نتواند در آن زندگی کند».<sup>۸</sup>

دانیل هاگاری، سخنگوی ارتش اسرائیل گفت: «تأکید بر تخریب است، نه دقت».<sup>۹</sup> دیوید میزراحی ورتهایم، مجری رادیو، در توییتی نوشت: «ما به پاسخی نامتناسب نیاز داریم... در راه پیروزی، هر هنجاری را زیر پا بگذارید.» آویچای مندلبلیت، دادستان کل سابق اسرائیل و دادستان کل سابق ارتش، گفت: «شما باید غزه را نابود کنید.» این موضوع توسط سیاستمداران آمریکایی مانند سناتور لیندسی گراهام نیز تکرار شد که با شگفتی در فاکس نیوز گفت: «مکان را با خاک یکسان کنید!»

این بیانی‌ها با نیت نسل‌کشی و با زبان رسمی مردم‌زدایی فلسطینی‌ها همراه بود. یوآف گالانت، وزیر دفاع اسرائیل در ۹ اکتبر می‌گوید: «ما در حال تحمیل محاصره‌ی کامل غزه هستیم. نه برق، نه غذا، نه آب، نه سوخت. همه

<sup>۸</sup> نگاه کنید به «وای نت نیوز»، ۱۲ نوامبر ۲۰۲۳: ([another article](#))

<sup>۹</sup> ([thundered](#) IDF)



چیز مسدود شده است. ما در حال مبارزه با حیوانات انسان‌نما هستیم و طبق آن عمل خواهیم کرد.» در ۱۰ اکتبر، سرلشکر غسان علیان، هماهنگ‌کننده‌ی ارشد ارتش اسرائیل برای فعالیت‌های دولت در سرزمین‌های اشغالی فلسطین، به زبان عربی گفت: «با حیوانات انسان‌نما باید این‌گونه رفتار شود. نه برق خواهد بود و نه آب. فقط ویرانی وجود خواهد داشت. شما خواهان دوزخ بودید، دوزخ نصیب شما می‌شود.»

اسحاق هرتزوغ، رئیس‌جمهور اسرائیل، مجازات دسته‌جمعی فلسطینی‌ها - از جمله کودکان که نیمی از جمعیت غزه را تشکیل می‌دهند، این‌گونه توجیه کرد: «این کل یک ملت است که در آن‌جا مسئول است». <sup>۱۰</sup> این در اعلامیه‌هایی که ارتش اسرائیل در شمال غزه پخش کرده است منعکس شده که هشدار می‌دهد غیرنظامیانی که پس از دستور تخلیه در آن‌جا باقی بمانند ممکن است «همدست یک سازمان تروریستی» تلقی شوند.

میراوی بن‌آری عضو یکی از یک احزاب مخالف میانه‌رو، با قطع سخنرانی یک عضو فلسطینی در کنست به‌طور غیرعقلانی گفت: «بچه‌های غزه این وضعیت را به خود روا داشته‌اند!» خود نخست‌وزیر بنیامین نتانیاهو به عبارتی از کتاب مقدس استناد کرد که از مؤمنان می‌خواهد «مردان و زنان، نوزادان و شیرخواران را به‌طور یکسان بکشید». این فریاد جنگ نسل‌کشی توسط میشل سالزمن، نماینده‌ی مجلس ایالتی فوریدا نیز تکرار شد. او در پاسخ به انجی نیکسون، یک نماینده‌ی دیگر ایالت که پرسیده بود: «رقم کشته شدگان فلسطینی به ۱۰ هزار رسیده است. چه تعداد دیگری کافی خواهد بود؟»، فریاد زد: «همه‌ی آن‌ها!»

<sup>۱۰</sup> ([justified the collective punishment](#))

## اعتراض و خشم



راهپیمایی طرفداری از فلسطین در ادینبورگ، اسکاتلند، ۲۸ اکتبر ۲۰۲۳

در مواجهه با سیل این اعلامیه‌ها با نیت نسل‌کشی، که با کشتار همراه بود، هدف قرار دادن زیرساخت‌های غیرنظامی، و مجازات دسته‌جمعی، صدها هزار نفر در بسیاری از کشورها به خیابان‌ها آمده‌اند تا خواستار آتش‌بس و یا پایان دادن به اشغالگری، و در برخی موارد آزادی گروگان‌ها شوند. یکی از خواسته‌های اصلی، عدم حمایت و مداخله‌ی ایالات متحده و سایر کشورها از حملات بی‌رویه است. ایالات متحده پیشاپیش سالانه حدود ۳/۸ میلیارد دلار کمک نظامی به اسرائیل ارسال کرده و بایدن رئیس‌جمهور آمریکا ۱۴ میلیارد دلار دیگر از کنگره درخواست کرده است. علاوه بر انتقال نیرو، کشتی‌ها و هواپیماهای جنگی به منطقه، ایالات متحده بلافاصله شروع به ارسال سلاح و تجهیزات بیشتری به اسرائیل کرد.

خشم نسبت به حمایت غیرانتقادی بایدن از حمام خون، حتی برخی از متحدان او را برانگیخته است. بیش از ۵۰۰ نفر از شرکت‌کنندگان کمپین صلح و عدالت در ریاست جمهوری بایدن در سال ۲۰۲۰، در نامه‌ای سرگشاده به او نوشتند: «اگر نتوانید با شتاب عمل کنید، میراث شما در مواجهه با نسل‌کشی همدستی خواهد بود.»<sup>۱۱</sup> نامه‌های اعتراضی بیش‌تری از سوی گروهی متشکل از ۴۰۰ نفر از مقامات دولتی، و بیش از یک‌هزار کارمند آژانس توسعه‌ی بین‌المللی آمریکا (USAID) و ده‌ها کارمند وزارت خارجه در سه یادداشت داخلی که توسط آنان امضا شده بود، به بایدن ارسال شده است.<sup>۱۲</sup>

گروهی از کارشناسان سازمان ملل در ۱۹ اکتبر طی بیانیه‌ای که منتشر کردند، خشم خود را از انفعال بین‌المللی برای توقف «خطر نسل‌کشی علیه مردم فلسطینی» ابراز نمودند. یکی دیگر از مقامات سازمان ملل، کریگ مخیبر، مدیر دفتر کمیساریای عالی حقوق بشر سازمان ملل در نیویورک، در اعتراض به انفعال در برابر «نمونه‌ی درس‌نامه‌ای نسل‌کشی» استعفا داد.

بحث بین کارشناسان نسل‌کشی این است که آیا این خونریزی - همان‌گونه که راز سگال، دانشیار مطالعات هولوکاست و نسل‌کشی در دانشگاه استاکتون (در ۱۳ اکتبر در نشریه‌ی *گرایش‌های یهودی* «یک مورد مشخص نسل‌کشی»)<sup>۱۳</sup> بیان کرده است - از هم‌اکنون یک نسل‌کشی است، و یا یک نسل‌کشی بالقوه است که به اقدام فوری برای جلوگیری از آن نیاز دارد. همان‌طور که عمر بارتوف، استاد مطالعات هولوکاست و نسل‌کشی در دانشگاه براون، با نگارش مقاله‌ای در نیویورک تایمز،<sup>۱۴</sup> به دادخواست

<sup>۱۱</sup> ([Biden Alumni for Peace and Justice](#))

<sup>۱۲</sup> ([internal memos](#))

<sup>۱۳</sup> نگاه کنید به: ([A Textbook Case of Genocide](#))

<sup>۱۴</sup> «آن‌چه من به‌عنوان یک تاریخ‌دان هولوکاست معتقدم».

استناد کرد که «نزدیک به ۲۵۰۰ محقق، روحانی و شخصیت‌های عمومی ضمن محکوم کردن جنایات حماس و درخواست از حکومت اسرائیل که از اعمال خشونت جمعی و کشتار غیرنظامیان بی‌تقصیر فلسطینی در غزه دست بردارد.»  
آن‌چه که در هر یک از این اعتراضات به آن اشاره کردند، نیاز فوری به پایان دادن اشغال فلسطین به‌عنوان ریشه‌ی «چرخه‌های خشونت» است.

## جبهه‌ی جنگ در کرانه‌ی باختری

در همین حال، در کرانه‌ی باختری اشغالی و اورشلیم شرقی، شهرک‌نشینان اسرائیلی پس از تشکیل دولت ائتلافی توسط نتانیاهاو با جناح راست افراطی، و پس از ۷ اکتبر، زمین‌خواری و خشونت خود را علیه فلسطینی‌ها تشدید کرده‌اند. آن‌ها با مصونیت کامل اقدام می‌کنند، و چندان مهم نیست که اعمال آن‌ها با حمایت و اغلب مشارکت ارتش اسرائیل تا چه میزان غیرقانونی است. در واقع شهرک‌نشین‌ها به‌عنوان عواملی برای گسترش مسلحانه‌ی نیمه‌خودمختار دولت اسرائیل عمل می‌کنند. بین ۷ اکتبر تا ۱۹ نوامبر، حداقل ۲۰۸ فلسطینی در کرانه‌ی باختری کشته شده‌اند که بسیاری از آن‌ها توسط نیروهای نظامی به قتل رسیده‌اند.<sup>۱۵</sup> شهرک‌نشینان اسرائیلی خانه‌ها، خودروها و درختان زیتون را به آتش کشیده‌اند، روستاها را محاصره کرده و فلسطینی‌ها را تهدید و به آن‌ها حمله می‌کنند.<sup>۱۶</sup> بر اساس گزارش سازمان ملل، حداقل ۹۶۳ نفر به دلیل خشونت شهرک‌نشینان و تخریب ارتش اسرائیل در منطقه C<sup>۱۷</sup> کرانه‌ی

<sup>۱۵</sup> ([at least ۲۰۸ Palestinians were killed](#))

<sup>۱۶</sup> ([Israeli settlers have been burning](#))

<sup>۱۷</sup> برطبق قرارداد اسلو، کرانه‌ی باختری به ۳ منطقه تقسیم شده است. منطقه‌ی [A]، ۱۸ درصد کرانه‌ی باختری، زیر نفوذ اداری و امنیتی تشکیلات خودگردان فلسطین است، منطقه‌ی [B]، ۲۲ درصد، فقط در کنترل اداری آن‌هاست، و منطقه‌ی [C]، ۶۶ درصد، شامل شهرک‌نشینان که کاملاً زیر کنترل اسرائیل است. (م.)

[\[۹۶۳ people have been forced to leave their homes\]](#)

باختری و اورشلیم شرقی مجبور به ترک خانه‌های خود شده‌اند. حداقل ۱۷ مجتمع در همان دوره ناگزیر به تخلیه شده‌اند.<sup>۱۸</sup>

همان‌طور که ژنرال آمیچای فریدمن سربازان خود را مورد خطاب قرار داده بود، نتانیاهو و نیز متحدان متعصب او، جاه‌طلبی خود را برای الحاق تمام فلسطین یا «کل سرزمین» از جمله غزه، و لبنان را پنهان نکرده‌اند. در واقع، یک اندیشکده‌ی اسرائیلی مرتبط با نتانیاهو در ۱۷ اکتبر طرح‌هایی را برای پاکسازی قومی کامل غزه منتشر کرد. واضح است که زمینه‌ی تاریخی و در حال انجام، اخراج ۷۰۰ هزار فلسطینی توسط اسرائیل در زمان تأسیس و اشغال کرانه‌ی باختری، غزه و اورشلیم شرقی از سال ۱۹۶۷، و آوراگی بی‌امان، نظارت تهاجمی و خشونت‌های روزمره است.<sup>۱۹</sup>

## دفاع چپ از حماس

این به هیچ‌وجه روشی را که برخی از چپ‌ها در ایالات متحده و جهان حملات مرگ‌بار و گروگان‌گیری حماس را جشن گرفتند توجیه نمی‌کند. خلأ ناشی از اندیشه‌ی انقلابی باعث شد که سازمان ارتجاعی، تئوکراتیک- ملی‌گرا، اقتدارگرا و مردسالار حماس را با «مقاومت فلسطین» یکی بدانند و از این‌رو جنایات آن را «مشروع» اعلام کنند.<sup>۲۰</sup>

<sup>۱۸</sup> [\(communities have been forcibly emptied out\)](#)

<sup>۱۹</sup> [\(invasive surveillance\)](#)

<sup>۲۰</sup> پانوش متن انگلیسی: [۲] - مفتضح‌تر از همه، در همایش ۸ اکتبر در نیویورک که توسط حزب - شبه استالینیست - «برای سوسیالیسم و آزادی» (PSL) و گروه مقدم آن «مجمع مردمی»، به همراه برخی از گروه‌های فلسطینی برگزار شد، «سخنرانان یکی پس از دیگری از کشتار غیرنظامیان تمجید کردند.» اویگن پوریار از PSL خطاب به جمعیت گفت: «نوعی بزم و پارتی بیابانی برگزار بود که در آن خوش‌گذرانی می‌کردند، تا این‌که مقاومت با پرنده‌هایی که الکترونیکی هدایت می‌شدند آمد و حداقل ده‌ها هیپی را ربود و من مطمئنم که آن‌ها در سلامتی کامل هستند.» «حزب کارگران جهان» (WWP) «مارکسیست-لنینیست»، که به همان اندازه مرتجع است، طی بیانیه‌ای حمله‌ی حماس را «نمونه‌ای قهرمانانه برای مردمی که در آرزوی رهایی از یوغ امپریالیسم در سراسر جهان هستند» نامید و هم‌چنین

ما از آلودگی عمیق ایدئولوژیک چپی رنج می‌بریم که در جریان نسل‌کشی بوسنی در دهه‌ی ۱۹۹۰ به منصفی ظهور رسید. در درون چپ بین کسانی که حماس را مظهر مقاومت فلسطین قلمداد می‌کنند و بنابراین همه‌ی اقدامات آن را موجه جلوه می‌دهند، و آن‌هایی که بی‌توجهی کامل آن نسبت به زندگی انسانی را رد می‌کنند، یک گسست واقعی وجود دارد. با این حال، در این میان یک جریان وسیع بینابینی مردد مانند سوریه و اوکراین، وجود دارد که آشکارا از حماس حمایت نمی‌کند، اما می‌خواهد با بخش اردوگاهی چپ حامی حماس سازش کند و یک اتحاد غیراصولی را با آن‌ها حفظ کند.

بحران چپ در دل بحران جهانی سرمایه‌داری و تفوق ضدانقلاب قرار دارد. بزرگ‌ترین و پرسروصداترین بخش‌های چپ اعتماد خود را به خودکنش‌گری توده‌هایی که جامعه را از نو سازماندهی می‌کنند، از دست داده‌اند، که این از ناباوری آن‌ها به

---

بینایی‌های حماس را بازنشر کرد که این حمله را توجیه و اعلام کرده بود: «تهاجم زمینی اسرائیل بهترین سناریو برای ما خواهد بود تا نبرد با دشمن را یکسره کنیم.» شاخه‌ی «حزب سوسیالیست‌های دموکراتیک آمریکا» در نیویورک ناگزیر شد به‌خاطر تبلیغ این همایش عذرخواهی کند، که نشانه‌ی ابتدای بخش عمده‌ی چپ به تمایل در حمایت از چنین اقداماتی است که تحت سلطه‌ی گروه‌های ارتجاعی مانند PSL و WWP است. حتی پس از این‌که آن‌ها با پوتین و عناصری از راست افراطی آمریکا گرم گرفتند، آریل ایزاک، نویسنده نشریات مختلف چپ از جمله *The Baffler*، *Jewish Currents* و *n+۱*، در توییتی نوشت: «حمایت از رخداد یک قیام تاریخی- جهانی، با ابراز شادی نسبت به خشونت و خونریزی، که در چنین وقایعی اجتناب‌ناپذیر است، ربطی ندارد.» کوین اندرسون از «سازمان انترناسیونالیستی مارکسیست‌های انسان‌باور» (IMHO)، حمله‌ی ۷ اکتبر و دستاوردهای «شگفت‌آور» نظامی آن‌را «واقعه‌ای هم‌چون یک نقطه‌ی عطف جهانی» خواند، و حماس را نه به‌خاطر قساوت «جنگ مشروع» آن بلکه به‌خاطر توهماتش نسبت به امکان موفقیت آن مورد انتقاد قرار داد. کمیته‌ی ملی «دانشجویان طرفدار عدالت در فلسطین» آن‌را «یک پیروزی تاریخی برای مقاومت فلسطین: در زمین، هوا و دریا» خواند. یک متن ویدئویی مربوط به سال ۲۰۰۶ از جویدیت باتلر باز یافت شد که او در آن اظهار می‌کند که: «درک حماس، حزب‌الله به‌عنوان جنبش‌های اجتماعی مترقی، به‌عنوان بخشی از چپ جهانی، بسیار مهم است. لیکن این ما را از نقد برخی از ابعاد هر دو جنبش باز نمی‌دارد.» چند تن از چهره‌های سرشناس چپ مانند ناومی کلاین، رشیدا طلیب و الکساندریا اوکاسیو کورتز، علیه غیرانسانی بودن این مواضع مخالفت‌های جدی ابراز کردند.

قدرت ایده، یعنی از فلسفه‌ی انقلاب جدا نیست. آن‌ها مذبحخانه خود را به هر قدرتی که گویا مخالف امپریالیسم ایالات متحده است متصل می‌کنند، چه نظمی «چندقطبی» متکی به چین و روسیه، اسد سوریه، حماس، یا وحدت غیراصولی با وجه عمده‌ی چپ باشد. مشاهده‌ی تقسیم قدرت‌های دولتی حاکم بر جهان به اردوگاه‌ها از تلاش برای شنیدن و درک دو دنیای حاکم و محکوم در درون هر کشور آسان‌تر است، و انحرافی از چشم‌انداز انقلابی است. مبنای آن‌ها دنباله‌روی از قدرت‌های دولتی - چه واقعی و چه آرزومند - است، نه دیالکتیک انقلاب. آن‌چه از آن غفلت شده، پرچم آزادی کامل انسان است.

همان‌طور که سرمقاله‌ی اکتبر ۱۹۷۰ با عنوان «دیگ خاورمیانه منفجر می‌شود»، نشریه‌ی News & Letters، بیان می‌کند<sup>۲۱</sup>:

تروریسم وحشی و نابخردانه... نه تنها «نظام» را ویران نمی‌کند، بلکه دقیقاً سوخت مورد نیاز برای برافروختن آتش سرکوب را هم فراهم می‌آورد... «نظام» دست نخورده باقی می‌ماند. مهم‌تر از آن، تروریست‌ها نسبت به جان انسان‌ها چنان بی‌اعتنایی کاملی نشان داده‌اند، که اقدامات آن‌ها نمی‌تواند به‌عنوان نقطه‌ی کانونی برای یک نظم اجتماعی نوین باشد....

آن چپ‌هایی که هدف قراردادن غیرنظامیان توسط حماس را انکار می‌کنند، یا آن‌ها را با مقاومت فلسطین یکی می‌دانند، و یا آن‌ها را «نیرویی مترقی» می‌خوانند، یا طوفان الاقصی را «نقطه‌ی عطف جهانی» می‌دانند، از این پرسش حیاتی که حماس خواستار چیست، طفره رفته‌اند. این گروه هرگز بینش خود را نسبت به آینده پنهان نکرده است: یک دولت اسلام‌گرا، اقتدارگرا و مردسالار که از رود اردن تا دریا را شامل می‌شود. راست مذهبی اسرائیل نیز با همان دیدگاه اشتراک نظر دارد، با این تفاوت که یک گروه حاکم مذهبی دیگر سر کار باشد. مفهوم پست آن‌ها از «آزادی» از بیرون کردن اشغال‌گران فراتر نمی‌رود و به معنی آزادی زنان، کارگران، یهودیان، یا مسیحیان و غیرمذهبی‌ها که بخش بزرگی از جمعیت فلسطین را تشکیل می‌دهند، نیست. کافی است به سرکوب

<sup>۲۱</sup> (Oct. ۱۹۷۰ News & Letters)

و مقاومت شجاعانه‌ی زنان در ایران نگاه کرد، کشوری که حامی حماس است و به آن کمک مالی و تسلیحاتی می‌کند. راست مذهبی در اسرائیل نیز از آن بهتر نیست.

## مقاومت یا انقلاب



راهپیمایی سال ۲۰۱۲ در شیکاگو در همبستگی با فلسطینی‌ها در سوگ قتل‌های سال ۲۰۰۹ در جریان حمله به غزه

در شرایطی که بقایای دموکراسی زیر حمله قرار دارد، جنگ در حال گسترش، گونه‌های جدیدی از فاشیسم یکی پس از دیگری در کشورها در حال رشد است، جامعه و پایه‌های مادی آن تحت تأثیر بحران اقلیمی و محیط‌زیستی در حال فروپاشی است، طبقه‌ی حاکم به نیهیلیسمی مبتلا شده است که به آینده‌ی خود باوری ندارد. به همین ترتیب، بسیاری از تفکر چپ نیز در افق روبه‌زوال سرمایه‌داری گرفتار شده است. بنابراین، خود را نه به فراروی انقلابی، بلکه تخته‌بند قدرت‌های مقاومت یا اپوزیسیون کرده است. مقاومت می‌تواند منجر به انقلاب شود، اما نه هنگامی که خود را گرفتار چنین افق‌های محدودی کند.



ماهیت مقاومت حماس که خود را تنها شکل مقاومت فلسطین معرفی می‌کند چیست؟ خاستگاه آن در سیر قهقرای بنیادگرایی جهانی - اسلامی، مسیحی، یهودی، هندو - است که در دهه‌ی ۱۹۸۰ به سرعت گسترش یافت و تاندازه‌ای توسط ضدانقلاب حاکم در ایران تقویت شد. ایران در بیش‌تر دوران حیات حماس از آن حمایت کرده است. جنبش‌های اسلام‌گرا از ناشکیبایی نسبت به عدم موفقیت جنبش‌های انقلابی ملی‌گرای سکولار بهره‌مند شدند. حماس در جریان اولین انتفاضه‌ی فلسطین متولد شد، قیام توده‌ای از پایین که در ۱۹۸۷ از اردوگاه جبلیه آغاز شد و به سرتاسر سرزمین‌های اشغالی و داخل اسرائیل گسترش یافت.<sup>۲۲</sup>

دولت اسرائیل پیشاپیش از تأسیس حماس به‌عنوان بدیلی اسلام‌گرا در برابر گروه‌های انقلابی سکولار حمایت کرده بود. دیوید هاجام، آن هنگام که در غزه برای ارتش اسرائیل کار می‌کرد، ۲۰ سال بعد گفت؛ «فکر می‌کنم ما اشتباه کردیم.»<sup>۲۳</sup>

## هم‌نوایی ضدانقلاب

با این حال، نتانیاهو و برخی از متحدان افراطی ارشد او بارها از حماس حمایت و برای حفظ اختلافات، تشکیلات خودگردان فلسطین را تضعیف کردند تا همان‌طور که پس از انتفاضه‌ی اول در توافقنامه‌ی ۱۹۹۳ اسلو پیش‌بینی شده بود، هر شانس برای تشکیل کشور مستقل فلسطینی را تخریب کنند.<sup>۲۴</sup> از هنگامی که یک یهودی راست

---

<sup>۲۲</sup> نگاه کنید به «قیام در سرزمین‌های اشغالی توسط اسرائیل: آیا مبارزه‌ی فلسطین می‌تواند به یک شروع انقلابی جدید تبدیل شود؟»، نوشته اولگا دومانسکی، ژانویه-فوریه ۱۹۸۸: ([Jan.-Feb.](#)) *(1988 News & Letters)*

نگاه کنید به مقاله‌ی «[supporting the establishment of what became Hamas](#)»

<sup>۲۳</sup> چگونه اسرائیل به زایش حماس کمک کرد:

<sup>۲۴</sup> ([sabotage any chance of an independent Palestinian state](#))

افراطی در سال ۱۹۹۵، اسحاق رابین، نخست‌وزیر امضاکننده‌ی توافق‌نامه اسلو را ترور کرد، حماس و افراطی‌های دست راستی اسرائیل در هم‌نوایی مهلکی رقصیده‌اند که ارتجاع هر دو طرف را نیرومند کرده است. جانشین رابین در نظرسنجی‌ها بسیار جلوتر بود تا این که کمپین بمب‌گذاری‌های انتحاری حماس، گرایش رأی‌دهندگان اسرائیلی را به راست سوق داد و راه را برای اولین دوره‌ی نخست‌وزیری نتانیاو هموار کرد.

در سال ۲۰۰۵ اسرائیل شهرکنشینان و سربازان خود را از داخل غزه خارج کرد و هم‌هنگام کنترل از خارج را در اختیار خود نگه‌داشت. حماس در آخرین انتخابات غزه در سال ۲۰۰۶ پیروز شد و سال بعد رقبای سکولار خود را مسلحانه شکست داد. از آن زمان به بعد، اسرائیل محاصره‌ی سخت و دشواری بر زندگی عادی مردم غزه اعمال کرده است، که نتانیاو به‌ویژه آن را با حملات نظامی مکرر به غزه ترکیب کرده است. او این خونریزی بی‌رحمانه را «علف‌زنی» نامید تا درحین حمایت از حماس، قدرت آن را محدود کند. این توهم نتانیاو که او می‌تواند برای همیشه حماس را در محدوده‌ی انتخابی خودش محصور کند، از این توهم بزرگ ناشی می‌شود که می‌توان تکاپوی مردم اشغال‌شده برای حق تعیین سرنوشت را برای همیشه مدفون کرد.

به این ترتیب مقاومت حماس به یک ویژگی پایدار اشغال‌گری اسرائیل تبدیل شد، که در رؤیای نابودی اسرائیل و جایگزینی آن با یک «سرزمین اسلامی عربی» که «از رود اردن در شرق تا مدیترانه در غرب و از راس‌النقوره [در لبنان] در شمال تا ام‌الرشرف در جنوب» امتداد می‌یابد، در بر می‌گیرد. اشغال، مقاومت و رؤیا، خود را در اسارت یک هم‌آغوشی دائمی، خشن و ارتجاعی می‌یابند. هر دو سوی مرتجع «مفتخرند» که برای هدف خود، شهادای فلسطینی را یکی پس از دیگری، «قربانی کنند».

## شورش فلسطینیان برای استقلال

هر دو سوی مرتجع هم‌چنین شورش مستقل فلسطینی‌ها، صداهای مستقل رهایی‌بخش، سازمان‌ها یا اقدامات خودانگیخته را سرکوب می‌کنند. در دسامبر ۲۰۱۰،

زمانی که بهار عربی تازه شروع شده بود، «بیانیه‌ی جوانان غزه برای تغییر»<sup>۲۵</sup> در این میان اعلام کرد:

«ما جوانان غزه از اسرائیل، حماس، اشغالگری، نقض حقوق بشر به ستوه آمده‌ایم... ما می‌خواهیم فریاد بزنییم و این دیوار سکوت، بی‌عدالتی و بی‌تفاوتی را بشکنیم... در طول جنگ، ما به این برداشت انکارناپذیر رسیدیم که اسرائیل می‌خواهد ما را از صفحه‌ی روزگار محو کند. در سال‌های گذشته، حماس تمام تلاش خود را برای کنترل افکار، رفتار و آرزوهای ما انجام داده است. این‌جا در غزه ما از زندانی شدن، بازجویی، ضربت خوردن، شکنجه شدن، بمباران، و کشته شدن هراسانیم. ما می‌گوییم بس کنید! این آینده‌ای نیست که ما می‌خواهیم! ما می‌خواهیم آزاد باشیم. ما می‌خواهیم بتوانیم یک زندگی عادی داشته باشیم. ما صلح می‌خواهیم. آیا این درخواست زیادی است؟»

هنگامی که آن جوانان تظاهرات مستقلی سازماندهی کردند که خواستار اتحاد فلسطینی‌ها بود، پلیس شرکت‌کنندگان را مورد ضرب و شتم قرار داد.

در سال ۲۰۱۸، راهپیمایی بزرگ بازگشت<sup>۲۶</sup> به‌عنوان یک تظاهرات مستقل، خشونت‌پرهیز اما مبارزه‌جویانه سازماندهی شد. در اولین تظاهرات ۳۰ هزار نفر در غزه چادر زدند و صدها جوان از آن‌جا به سمت موانع مرزی اسرائیل راهپیمایی کردند. حماس به دنبال بهره‌برداری از تظاهرات بود که از مارس تا اکتبر تداوم یافت. نیروهای نظامی اسرائیل به این بهانه که تعداد اندکی از تظاهرکنندگان سنگ پرتاب کردند یا با سلاح به مرز نزدیک شدند، به روی هزاران نفر از راهپیمایان آتش گشودند و بیش از ۱۰۰ نفر را کشتند.

هم‌چنین اعتصابات و تظاهرات دوره‌ای دیگری برای ایجاد شرایط بهتر و مخالفت با حماس و اسرائیل صورت گرفته است. در ۲۰۱۹ معترضان فلسطینی با سردادن شعار

<sup>۲۵</sup> برای متن کامل این بیانیه نگاه کنید به لینک زیر: ([Gaza Youth's Manifesto for](#))

([Change](#))

<sup>۲۶</sup> ([Great March of Return](#))

«ما می‌خواهیم زندگی کنیم»، افزایش قیمت‌ها و شرایط دشوار زندگی به دلیل محاصره‌ی اسرائیل و تفرقه در فلسطین را محکوم کردند. پاسخ حماس سرکوب خشونت‌آمیز بود. اخیراً، در اوت ۲۰۲۳ معترضان با شعار «مردم خواهان سقوط نظام هستند» به خیابان‌ها آمدند. ۲۷

این اقدامات مستقل دریچه‌ای را به روی سوژه‌های بالقوه‌ی انقلابی موجود در فلسطین و اسرائیل می‌گشاید از جمله شامل جوانان، زنان و طبقات کارگر است. این واقعیتی است که گسست بین آن‌ها مانعی بزرگ است. نیروی کار اسرائیل دچار قشربندی است - نه تنها بین یهودیان اشکنازی در برابر یهودیان سفاردی، میزراحی و آفریقایی، و افراطی ارتدوکس در مقابل سکولار - بلکه عمیق‌تر از آن بین کارگران یهودی، عرب‌های اسرائیلی که حدود ۲۱ درصد از کل جمعیت را تشکیل می‌دهند، کارگران فلسطینی غزه، کرانه باختری و اورشلیم شرقی (۵۵ هزار نفر قبل از ۷ اکتبر)، و کارگران مهمان از کشورهای دیگر که حدود ۶ درصد از شاغلان را شامل می‌شود. نه حماس و نه تشکیلات خودگردان فلسطین دوست واقعی این نیروها هستند. در حالی که هزاران معلم کرانه‌ی باختری در ماه آوریل علیه تشکیلات خودگردان فلسطین اعتصاب کردند، در حال حاضر جو تغییر یافته پس از ۷ اکتبر اعتصابات را در هر بخشی از فلسطین یا اسرائیل بسیار دشوار کرده است.

علاوه بر این، گروه‌های صلح، حقوق بشر، فمینیست یا همکاری که یهودیان اسرائیلی و فلسطینی‌ها را گرد هم می‌آورند، علی‌رغم آزار و اذیت، یکی از ویژگی‌های همیشگی صحنه‌ی سیاسی هستند. همیشه بخش قابل توجهی از مردم به دنبال صلح هستند. این بسیار مهم است و ما باید در همبستگی با آن‌ها کار کنیم. مقاومت آن‌ها در برابر انسانیت‌زدایی از دیگر عناصری است که برای یک بینش انسان‌باورانه‌ی انقلابی لازم است. بسیاری از آن‌ها اذعان دارند که صلح تنها تا زمانی که اشغال پابرجاست و تا زمانی که اسرائیل رابطه‌ی ظالمانه با فلسطینی‌ها را حفظ کند، می‌تواند گریزنده و موقتی باشد. واژگونی آن ساختارها و روابط مستلزم یک انقلاب اجتماعی است.

## پیامدهای مرتجعانه‌ی جهانی

حملاتی مانند طوفان الاقصی و تهاجمی که عامدانه برانگیخت راهی به‌سوی رهایی نیست، بلکه برعکس، اول از همه در اسرائیل/فلسطین ارتجاع بیش‌تر ایجاد می‌کند؛ جایی که در حال حاضر رقابت توهمات انقراض روبه افزایش است. حتی اسرائیلی‌هایی که به سادگی از انسانیت غیرنظامیان غزه دفاع می‌کنند، اخراج و یا تهدید می‌شوند، مورد آزار و اذیت قرار می‌گیرند، و گاهی حتی دستگیر شده یا مورد حمله قرار می‌گیرند. همان‌گونه که وزیر ارتباطات تهدید نمود؛ خبرگزاری الجزیره را تعطیل و روزنامه‌ی اسرائیلی هاآرتص که حامی جنگ، اما منتقد دولت است، محاکمه خواهد کرد. جنبش علیه «کودتای قضایی»<sup>۲۸</sup> جناح راست یک‌شبه ناپدید شد، همان‌طور که «اعتصاب» نیروهای ذخیره ارتش که از خدمت سرباز زدند، ناپدید گشت. بسیاری از ناظران بر این باورند که مقام سیاسی نتانیاهو به محض پایان جنگ مرده تلقی می‌شود و همین برای او انگیزه‌ای در طولانی کردن جنگ است. این بدان معنا نیست که خروج او دری را به روی چپ می‌گشاید. برعکس، راست افراطی در موقعیتی است که از آن به بهترین وجه بهره‌برداری کند.

این درگیری هم‌چنین وضعیت ارتجاعی‌تری در جهان ایجاد می‌کند. آن‌را از یک جهت می‌توان در افزایش وسیع اقدامات ضدیهودی<sup>۲۹</sup> و ضدفلسطینی/اسلامی<sup>۳۰</sup> در سراسر جهان مشاهده کرد، از جمله قتل وادیا الفیومه، پسر شش ساله‌ی فلسطینی تبار آمریکایی و چاقو خوردن مادرش در حومه‌ی شیکاگو. هردو نوع نفرت‌پراکنی در رسانه‌های اجتماعی مانند توئیتر و یا در کمپین‌های دولتی نظیر مجارستان<sup>۳۱</sup> فزونی یافته است، درحالی که

<sup>۲۸</sup> ([movement against the Right's "judicial coup"](#))

<sup>۲۹</sup> ([anti-Jewish](#))

<sup>۳۰</sup> ([anti-Palestinian/anti-Muslim](#))

<sup>۳۱</sup> ([Hungary's](#))

تظاهرات همبستگی جهانی با مردم غزه سرکوب شده و بعضاً توسط پلیس به آن حمله می‌شود. سوئلا براورمن، وزیر کشور بریتانیا، زیر لوای «راهپیمایی نفرت»، خواستار ممنوعیت اعتراض بزرگ لندن شد. در چندین کشور اروپایی تظاهرات همبستگی با فلسطینی‌ها را مجرمانه کرده‌اند. منتقدان جنگ اسرائیل علیه غزه در ایالات متحده از کار بی‌کار شده، در لیست سیاه قرار گرفته و یا مسائل خصوصی آن‌ها در رسانه‌های اجتماعی علنی می‌شوند. گروه‌های دانشجویی مورد جاسوسی قرار گرفته، تعلیق و یا تهدید شده‌اند. در اقدامی بزدلانه، نشریه‌ی حقوق‌هاروارد ناگهان تصمیم خود را درباره‌ی انتشار مقاله‌ای که حمله‌ی اسرائیل را به‌عنوان نسل‌کشی تحلیل کرده بود، عوض کرد. در برخی از همایش‌ها در حمایت از اسرائیل، درخواست‌های نسل‌کشی فلسطینی‌ها مطرح شده است. لفاظی‌های ضدیهودی هم در بین راست‌های طرفدار ترامپ و هم برتری‌طلبان نژاد سفید و هم در به‌اصطلاح «چپ افراطی» رایج است. در تظاهرات ۹ اکتبر سیدنی استرالیا در حمایت از فلسطین، لفاظی‌های نفرت‌انگیز ضدیهود مانند شعارهای «یهودی‌ها را به‌گاز بندید» و «لعنت بر یهودیان»، ابراز شده است. این‌گونه شعارها صرفاً کلیه‌ی منتقدان اسرائیل را به یهودی‌ستیزی آلوده می‌کند.

پیامدهای جدید جنگ در سیاست جهانی از جمله کاهش حمایت از دفاع اوکراین علیه روسیه بوده است – نه فقط به این خاطر که بایدن اوکراین را با اسرائیل هم‌تراز دانست، بلکه به این دلیل که اکثریت مجلس نمایندگان آمریکا در دست جناح راست افراطی است. نماینده‌ی آن‌ها مایک جانسون، سخنگوی مجلس، است که هم‌راستای منافع پوتین و ترامپ است. او که یکی از مخالفان اصلی کمک آمریکا به اوکراین است، به‌رغم یهودستیزی گسترده در جناح راست، همان زمان خود را در تظاهرات طرفداری از اسرائیل جا کرده است. حتی موجودی ضدیهود مانند جان هگی، که سخنران ۱۴ نوامبر «راهپیمایی برای اسرائیل» در واشنگتن بود، معتقد است هیتلر فرستاده‌ی خدا بود تا یهودیان را به سرزمین اسرائیل هدایت کند.

نامه‌ی همبستگی با مردم فلسطین از طرف چپ رادیکال اوکراین، نمونه‌ای از انترناسیونالیسم از پایین با تمرکز بر آزادی است. آن‌ها با نوشتن نامه‌ای «از مردم به

مردم،<sup>۳۲</sup> حملات علیه غیرنظامیان، چه توسط حماس یا اسرائیل را محکوم کرده و حمایت بی‌قید و شرط دولت‌شان از اسرائیل را رد می‌کنند.

این تهدید همواره وجود دارد که جنگ در معرض گسترش به لبنان، یمن، ایران است، که در آن صورت ایالات متحده را هرچه بیشتر درگیر آن نماید. به‌طور کلی این جنگ انگیزه‌ی جنگ بیش‌تر، سرکوب بیش‌تر، و اقتدارگرایی بیش‌تر در سراسر جهان را افزایش می‌دهد.

در رویارویی با این دو تخیل نابودکننده، چنان‌چه طرف یکی از این دو گرفته شود، تنها می‌تواند به یأس و پوچ‌گرایی، و ادامه زنجیره‌ی جنگ و خشونت منجر گردد که مشخصه‌ی این دوره از امپریالیسم سرمایه‌داری است - نسل‌کشی بوسنی و کوزوو، نسل‌کشی رواندا و «جنگ جهانی آفریقا»، جنگ‌های ایالات متحده علیه عراق و افغانستان، جنگ روسیه علیه اوکراین و چین، و ضدانقلاب رژیم سوریه (با حمایت روسیه و ایران) علیه انقلاب برای آزادی و کرامت انسانی.

جهان تشنه‌ی راهی برای خروج، و برای شروعی نوین است. افشای جنایات جنگی اسرائیل و حماس و سیر قهقرایی چپ کافی نیست. جنبش‌های همبستگی قدرت خود را نه از چرخه‌ی مقاومت دائمی بلکه از چشم‌انداز یک جامعه‌ی انسانی جدید دریافت می‌کنند. توقف یک انقلاب در نیمه‌راه - یا توقف پیش از وقوع انقلاب - به معنی تضمین پس‌روی است. بنابراین، آن‌چه به یک ضرورت مطلق تبدیل می‌شود، برافراشتن پرچم‌های واقعی و فلسفه‌ی رهایی است. درحالی‌که ما درگیر همبستگی قاطع با مردم فلسطین هستیم، و در ایالات متحده و کشورهای هم‌پیمان آن علیه حمایت از اسرائیل، اشغالگری و ارتش آن مبارزه می‌کنیم، چنان مهمی را نمی‌توان به آینده موکول کرد.

پیوند با منبع اصلی:

<https://newsandletters.org/israels-war-and-hamas-attack-stoke-retrogression/>

<sup>۳۲</sup> [\(letter of solidarity with Palestinian people\)](#)